



تصویری از اسفندکوس در برگی از
مقامات حریری مشهور به شیخ
واسط حریری



تداوم حیات اسفنگس ها و هارپی های باستانی در هنر دوره اسلامی

حسین عابد دوست * زیبا کاظم پور **

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۳

چکیده

در مقاله پیش رو مفاهیم مرتبط با اسفنگس ها و هارپی ها در هنر باستان بررسی و سپس تداوم آن در هنر دوره اسلامی بیان شده است. شیوه تحقیق تحلیلی- تطبیقی و به روش کتابخانه ای بوده و برای این منظور تصاویر اسفنگس ها و هارپی ها در دنیای باستان و مفاهیم مرتبط با آن، جست و جو و سپس حضور این نماد در هنر دوره اسلامی مطرح و مفاهیم مرتبط با آن بیان گردیده است. همچنین گسترش فعالیت های نجومی به عنوان عامل موثر در ظهور این نمادها در سده های شش، هفت و هشت هجری قمری بیان شده است. اسفنگس ها به عنوان محافظان معابد و حتی صورتی از خدایان در دنیای باستان مورد توجه بوده اند. هارپی ها موجودات ترکیبی از سر انسان و بدن پرنده اند که در دنیای باستان روح مردگان را به دنیای دیگر می بردند. این موجودات در دوره اسلامی بر روی ظروف سفالی و فلزی ظاهر شدند به طوری که در سده های شش، هفت و هشت هجری قمری از رایج ترین نقش های موجود بر روی سفالینه ها محسوب می شدند. آن چه مسلم است این نمادها در دوره اسلامی با مفهوم برکت و باروری ارتباط تنگاتنگ داشته اند و گسترش فعالیت های نجومی در سده های سوم و چهارم هجری و بعد از آن در ایران و تالیف کتاب صورالکواکب اثر عبدالرحمن الصوفی، زمینه را برای ظهور این موجودات بر روی آثار هنری فراهم کرد.

واژگان کلیدی

اسفنگس، هارپی، هنر، باستان، دوره اسلامی.

Email: hossienabeddoost@yahoo.com

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، استان مازندران، شهر تنکابن
** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، استان مازندران، شهر تنکابن

مقدمه

اسفنگس ها موجودات ترکیبی از سر انسان با بدن شیر هستند و هارپی ها تلفیقی از سر انسان با تنه پرنده. این موجودات در هنر باستان ایران و دیگر تمدن های کهن وجود داشته اند و در دوره اسلامی از سده پنجم هجری قمری تصاویر آن ها به تدریج بر روی سفالینه ها دیده می شود و در سده ششم و هفتم هجری قمری از نقش های رایج ظروف سفالی و فلزی بودند.

ظهور این تصاویر در هنر دوره اسلامی و تداوم آن در دوره های بعدی نشان دهنده زمینه فکری مناسب در جامعه ایرانی آن زمان است. همچنین می توان گفت این تصاویر از ریشه ای کهن در تمدن باستانی ایران برخوردار بوده و نمونه های بازمانده، یادآور تفکر دنیای باستان هستند. نظریه های رایج نمادهای ستاره شناسی دوره اسلامی، تصاویر کهن ایرانی و عمدتاً تصاویر سلطنتی ساسانی و اقتباس از تم های فولکلور و اساطیر ایرانی و آسیای مرکزی را موثر می دانند. (خلیلی، ۱۳۸۴: ۶۰) برخی اسفنگس را نمادی از خورشید می دانند. (Guratola، ۲۰۰۶: ۱۱۸) به عقیده اکرمین در دوره ای که نماد پردازی صور فلکی مرسوم شده بود، پس، موجود مضحک کوتوله ای که نشان بهار است و هخامنشی ها او را از مصری ها به عاریت گرفتند، با بزغاله (جدی) که صورت فلکی انقلاب شتوی است، کشتی می گیرد و پیروز می شود و پس روی سر اسفنگس - شیرها می ایستند. (همچون تمام نقوش بر گرفته شده از شیر، چرا که خورشید در اوج خود در برج اسد است)



تصویر ۱- الف

و ظاهراً خورشید را در اوج قدرت خود نشان می دهد. (پوپ، ۱۳۸۷: ۹۷)

از نظر پرفسور پوپ، هارپی ها و اسفنگس ها به محض آن که فناوری مناسب بازنمایی آن ها به دست آمد به طور چشمگیری بر روی سفالینه ها اجرا شدند. (همان، ۱۷۰۵) با این که، ممکن است کاربرد اسفنگس های پشت سر هم بر روی سفالینه ها، فقط یک ذوق تزئینی بوده باشد اما تعدادی از نقش ها یاد آور سنت های بسیار کهن است. به ویژه آن که روی کاسه سفالینی از مجموعه سیال دیوید، اسفنگس هایی



تصویر ۱- ب



تصویر ۲



تصویر ۲

خطوط عمودی است، تفاوت دارد. صورت اسفنگس مجلس زیر، گرد و چاق است. دماغ و پیشانی روی یک خط راست قرار گرفته و گوش اسفنگس به صورت مارپیچ است. گوش اسفنگس متفاوت از نمونه های آشوری و ایرانی است و مانند گوش حیوان نوک تیز هستند. نیمرخ اسفنگس دراز و نازک است. کونز، همین خصوصیات را در برنزه های جزیره کرت که تحت تاثیر هنر شرق قرار گرفته اند، تشخیص داده است. (گریشمن، ۱۳۷۱، ۳۱۲)

فالکنر عقیده دارد گنجینه زیویه متعلق به سده هفتم ق.م است که سکاها در آن ناحیه حکومت داشتند. به عقیده او سینه بند بزرگ که رابطه زیاد با هنر مادها دارد، از همان زمان است. (واندنبگ، ۱۳۴۵، ۱۳۹) (تصویر ۲)

تصویر ابوالهول مذکر که شیری بالدار با سر آدمی است هم نمونه به جا مانده از میان انبوه موجودات مرکب در هنر هیتی و آشوری است. آندره گدار، ابوالهول موجود در آثار لرستان را نمونه مشخص از اشیای آشوری می داند، که طی سده هشتم و نهم ق.م وارد لرستان شد. (گدار، ۱۳۵۳، ۷۳) کاربرد این موجود در تخت جمشید به یک مضمون اختصاص دارد، پرستش و نیایش. در حالی که در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند و قرص بالدار در میان شان جای داشته باشد. آن ها تاج سلطنتی و آسمانی بین النهرین را بر سر دارند که استوانه ای بلند با سه جفت شاخ و ردیفی پر در بالای آن است. (هرتسفلد، ۱۳۸۱، ۲۵۹) این نماد در دوره اشکانی نیز مشاهده می شود. بیکره کوچکی از ابوالهول مکتشفه از نسا، ترکیب سر زن با بدن شیر را نشان می دهد. (دادور، ۱۳۸۷، ۱۶۴) (تصویر ۳)

قدیمی ترین ابوالهول ها، مصری است و تاریخ آن به اواسط هزاره سوم ق.م می رسد. آن ها فرعون را با بدن آدمی و ریش و به هیات شیری خمیده نشان می دادند که نماد قدرت فوق بشری او بود. (هال، ۱۳۸۰، ۲۰) مجسمه ابوالهول در کنار اهرام سه گانه نمادی از هوروس ۲ پسر رع ۳ خدای خورشید است. (کراپ، ۱۳۸۳، ۱۳) در مصر معبد لوکسور در فاصله ۲ کیلومتری جنوب معبد کارناک قرار

دیده می شود که یک پنجه را به نشانه نیایش بالا نگه داشته، و در دو طرف یک اسلیمی درخت مانند، با پرندگی های خیالی پر نقش و نگار به نمایش در آمده اند. تمام این ها قرن ها پیش در ارتباط با مراسم مذهبی درخت رایج بود. (همان ۱۰۸۱) (تصویر ۱- الف) بر روی سفالینه های زرین فام کاشان نیز اسفنگس ها و هارپی ها با هاله ای دور سر در دو طرف درخت انتزاعی قرار گرفته اند. (همان، لوح ۶۵۸ و ۶۸۰) (تصویر ۱- ب)

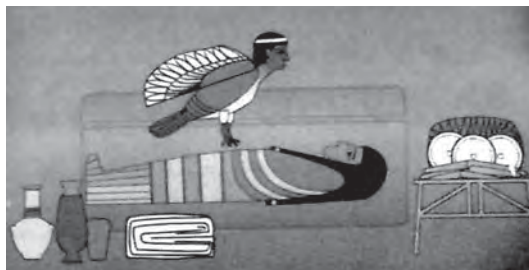
در پژوهش پیش رو دامنه گسترش این تصاویر در هنر اسلامی بررسی و زمینه های پیدایش آن بیان می شود. نمونه های مرتبط با دوره باستانی ایران متعلق به هزاره اول قبل از میلاد هستند و در دیگر تمدن ها با قدمت بیش تری بیان می گردد. در دوره اسلامی اغلب آثار متعلق به سده های پنج، شش و هفت هجری قمری است. ابتدا آثار مربوط به دنیای کهن بیان شده و در ادامه فعالیت های نجومی سده های دوم، سوم، چهارم هجری قمری و الگوهای صور فلکی آن دوران معرفی و سپس نمونه های اسفنگس و هارپی متعلق به دوره اسلامی بررسی می شود.

اسفنگس ها در تمدن های باستانی

در میان آثار مربوط به گور زیویه، سینه بندی یافت شده که بر آن نقش اسفنگس های بالدار دیده می شود. بر روی سینه این اسفنگس ها پیش بندی وجود دارد که با نمونه مشابه آن در هنر آشوری که پوشیده از پرهایی با



تصویر ۴



تصویر ۶

همین صورت به یونان رسید. (هال، ۱۳۸۰، ۲۰)

هارپی ها در تمدن های باستانی

در ایران سفال سیاه رنگ، از انواع «بوکرو» در سده اولیه هزاره نخست ق.م فراوان است ولی در گورهای «اتروسک» نیز کمیاب نیست. موضوع ترکیبی «زن - پرنده» به صورت ظرف یا دسته ظرف مخصوص هنر ایران - اورارتو می باشد. پس از ایران و اورارتو در هنر یونان و اورارتویی نیز این نشانه مربوط به مراسم به خاک سپردن مردگان دیده می شود. این موجود ترکیبی است که روح مردگان را به دنیای دیگر می برد. این عقیده که پیدایش آن از سفال سیلک آغاز شده، منتج به داستان فینه و هارپی ها می شود. هنرمندیونانی آن را به صورت یک شیطان بالدار نقش کرده و این کار در هنر اتروری نیز معمول شد.

علاوه بر زن - پرنده، مرد - پرنده هم وارد موضوع های آن زمان گردیده و او مردی است که ریشی دارد و روی دسته دیزی های برنزی لرستان و همدان ترسیم شده است. همین مرد - پرنده بر روی دسته قوری های اورارتو نیز وجود دارد (گریشمن، ۱۳۷۱، ۳۳۸)

«Ba» پرنده مصری بر فراز مومیایی در نقاشی های مقبره ای پرواز می کند. (در دوره سلطنت جدید) و نماد قدرت خدایان و فراعنه است. بعدها دلالت بر روح متوفی داشت و با پسوخه، یا روان یونانی یکسان شمرده شد. (تصویر ۶) بسیاری از اقوام باستانی، پرندگان را با خورشید - خدایان و آسمان همراه می دانستند. گارودا خدای هندی، شکل یک پرنده داشت و مرکب ویشنو بود. (هال، ۱۳۸۰، ۲۰) در ارزشمندترین منبع اسطوره های حیوانی و گیاهی چینی، متن کلاسیک کوه ها و دریاها بسیاری از اسطوره ها به پرندگان بدشگونی از قبیل پرنده ای شبیه به خروس با صورتی انسانی اشاره کرده اند. (بیرل، ۱۳۸۴، ۶۹)

فعالیت های نجومی در دوره اسلامی

معتبر ترین و مهم ترین فعالیت های نجومی و ستاره شناسی در اغلب زمینه ها در انحصار مشرق زمین و به خصوص ایران، دمشق و مصر بوده و در این میان ایرانیان نقش پیشتاز را در بسیاری موارد بر عهده داشته اند. این رشد مداوم و پیوسته پژوهش های نجومی در ایران بعد از



تصویر ۵

دارد. این دو معبد توسط خیابان ابوالهول (اسفنجس) به هم متصل شده اند. این معابد در وقف خدایان سه گانه تسس (آمون، موت و خونسو) ساخته شده بود. (ویو، ۱۳۸۵، ۱۰۹) (تصویر ۴)

اسفنجس ها برای نخستین بار در خاورمیانه بر روی مهر های استوانه ای آشوری (سده یازدهم - سیزدهم ق.م) و با گستردگی بیش تری از سده نهم ق.م به عنوان تندیس های محافظ معابد و قصرها دیده می شوند. ویژگی کلی آن ها از مصر اقتباس شده، ولی بال ها را به آن افزوده اند. (هال، ۱۳۸۰، ۲۰) در بین النهرین نیز با نام پنج خدای کوچک تر آشنا می شویم که نمایندگان پنج ستاره بودند. نین ۱ مظهر کیوان، مرو داخ ۲ مظهر مشتری، نرگال ۳ مظهر مریخ و ایشتار ۴ مظهر زهره و نبو ۵ مظهر عطارد است. تصاویر، نرگال را در هیئت ترکیبی اسفنجس نشان می دهد. (قدیانی، ۱۳۸۱، ۳۸) (تصویر ۵) در سوریه و آسیای صغیر، ابوالهول دارای سر زن شد، و به



تصویر ۷

- 1-Nin
- 2-Morduk
- 3-Nergal
- 4-Istae
- 5-Nabu
- 6-Garuda



تصویر ۸



تصویر ۱۰ - الف



تصویر ۹

شبیبه گاوی است بدون کفل و دو پا، نماینده جانورانی که با انسان خو گرفته و اهلی شده اند.

۳- جوزا، همچون دو کودک به پای ایستاده، که هر کدام یک دست برگردن دیگری پیچیده دارد.

۴- سرطان یا خرچنگ، از صورت های بروج شمالی در منطقه البروج است. امروز نزدیک به ۸۲ کوکب درین صورت دیده می شود.

۵- اسد یا شیر.

۶- سنبله یا عذرا، صورت بزرگی است در منطقه البروج. ابوریحان در التّقیّم در توصیف آن می نویسد «عذرا یعنی زن جوان» و او را هم چون کنیزک با دو پر و دامن فرو هشته توصیف می کند.

۷- میزان یا ترازو، صورت فلکی در نیمکره سماوی جنوبی از منطقه البروج برابر با ماه مهر.

۸- عقرب یا کژدم، از صورت های منطقه البروج جنوبی است.

۹- قوس یا کمان، صورت فلکی بزرگی است در نیم کره جنوبی منطقه البروج، در نجوم قدیم قوس برج نهم است، همچون اسبی تا به گردنگاه، نیمه زیرینش بر شبه آدمی است و تیر و کمان نهاده.

۱۰- جدی بزماهی، در نیم کره شمالی در منطقه البروج واقع است.

۱۱- دلو یا آبریز، برج دوازدهم است. او را ساکب الماء، یعنی ریزنده آب دانند. هم چون مردی ایستاده که هر دو دست دراز کرده و به یک دست کوزه ای دارد.

اسلام، بر پشتوانه ای بس کهن و پر مایه تکیه داشت. صاعد آندلسی در طبقات الامم می نویسد: ایرانیان کتب مهمی در احکام نجوم داشته اند و یکی از آن ها کتابی در صور درجات فلک منسوب به زردشت و دیگر کتاب جاماسب است» (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۵۹).

در سده دوم هجری، ظهور خاندان نوبخت و عمرین فرخان و ترجمه کتب پهلوی مرتبط با نجوم به عربی نقش بسیاری در انتقال دانش نجوم باستانی ایران به دوره اسلامی داشت. (همان، ۶۰) علاوه بر این در سده سوم هجری قمری احداث رصد خانه شماسیه (الرصد المامونی) در نزدیکی بغداد و دیگری در جبل فاسیون در دمشق، ظهور چهره هایی چون خوارزمی و یحیی بن ابی منصور فرغانی، خالد بن عبدالملک مرورودی، ابوالعباس فضل بن حاتم تبریزی و احداث رصد خانه بنی موسی در بغداد، نقش به سزایی در گسترش دانش نجومی آن زمان داشت. در سده چهارم هجری قمری دانشمندان و ستاره شناس نامدار عبدالرحمن صوفی با تالیف کتاب صور الكواكب در فاصله سال های ۳۵۳ هجری قمری و چهره هایی چون ابوالوفای بوزجانی و دیگر فعالیت های نجوم، زمینه ساز ظهور صورت های فلکی بر روی آثار هنری شدند. (همان، ۷۱)

صور فلکی در نجوم دوره اسلامی

۱- حمل یا بره، صورتی است از نیم کره شمالی در منطقه البروج. ابوریحان آن را به صورت گوسفند نیم خفته که به دنبال خود می نگردد و دهان او بر پشت شده، وصف می کند.

۲- ثور یا گاو پروین، یکی از ستارگان آن محسوب می شود.



تصویر ۱۱



تصویر ۱۰-ب

انتهای دم است. او لباس مخصوص جشن دوره صفوی را به تن دارد. بدن شیر به رنگ آبی فیروزه ای مملو از خطوط پیچک وار تا نوک پنجه ها و به رنگ قهوه ای روشن است. این پیچک ها خطوط بیرونی بدن را تشکیل می دهند. (Calmeyer, ۱۹۷۲, ۲۱۰) (تصویر ۹)

جوها نازیک نیسن، یکی از محققین صاحب نام در زمینه ظروف فیگوراتیو نیشاور است. وی ارتباطی میان نمادهای تزیینات فیگوراتیو چند رنگ و نمادهای ستاره شناسی در دنیای اسلامی میانه دیده است. در واقع او اظهار نظر اولیه فردریش سارا را دنبال کرده است، که برای نخستین بار تزیینات سفال را به صور فلکی، ارتباط داده بود. طبق گفته ریچارد اتینگهاوزن و دوروتی شفر آعلووه بر صور فلکی، برخی ظروف فیگوراتیو نیشابور، تصاویر

۱۲- حوت، به شکل دوماهی است، از دم به یکدیگر مربوط اند. (ورجاوند ۱۳۶۶، ۴۴۳-۴۴۲)

موجودات ترکیبی از جمله اسفنجس ها را در کنار دیگر صورت های فلکی بر روی آثار سفالی و فلزی دوره اسلامی میانه مشاهده می کنیم. لازم به ذکر است که صورت فلکی رامی یا قوس با تفاوت هایی نسبت به توصیف نجومی آن ظاهر می شود. صورت قوس به جای ترکیب گاو یا دیگر سم داران با نیم تنه انسان، با بدن شیر تلفیق شده است. تصویر ۷ این موضوع را به روشنی نشان می دهد.

کاسه قالب ریزی شده متعلق به سده هفتم هجری قمری از خراسان، صورت های فلکی منطقه البروج را نشان می دهد که شامل: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت است. (تصویر ۸)

مشابه این صورت در کاشی متعلق به دوره صفوی دیده می شود، تیر انداز با تن شیر و همراه با سر اژدها در



تصویر ۱۳



تصویر ۱۲



تصویر ۱۵



تصویر ۱۴

برخی آن را شکلی از اسب افسانه ای پیامبر (براق) می دانند. (Febervari, ۲۰۰۰، ۸۱) (تصویر ۱۰-ب) این نمونه را با کاسه ای از نیشابور متعلق به سده پنجم هجری قمری مقایسه کنید. در تصویر ۱۰ چهار پا با سر انسانی نقاشی شده که همان براق، توسن حضرت محمد(ص) در سفر معراج است. ریچارد بولیت معتقد است انواع خاصی از سفال نیشابور با گروه های ویژه اجتماعی شهر در ارتباط است. وی این ظروف را به عنوان دلیلی برای رواج المان های ملی پارسی در میان مردم تعبیر کرده است، زیرا شمایل نگاری این ظروف یاد آور تم های پارسی کهن است. با این حال موضوع نقوش این کاسه می تواند به اعقاب اولین کسانی که اسلام آوردند، نسبت داده شود و می تواند عمیقا ریشه در سنن اسلامی داشته باشد. (خلیلی، ۱۳۸۴، ۵۰)

این نکته قابل توجه است که تصاویر مشابهی از

کهن ایرانی و عمدتا تصاویر سلطنتی ساسانی دارند. فیتز ربرت نه تنها صور فلکی زیگ نیسن را مورد اعتراض قرار داد بلکه وابستگی اتینگهاوزن و شفر را به نمادهای سلطنتی ساسانی زیر سوال برده است. در عوض او به تعابیر محلی و رایج از تم های سنتی بها داد، که از ترکیب فرهنگ های یک جانشین و استپ در سده دهم نشأت گرفته اند. (خلیلی، ۱۳۸۴، ۴۶) کاسه سبز سیر به شیوه شیاری، متعلق به غرب ایران سده پنجم هجری قمری، ابوالهولی مرتبط با پیوندهای باطل السحر، بهشتی و طالع بینی را نشان می دهد. (تصویر ۱۰-الف)

این نقش اغلب با شیردال می آید و نماد سفر خورشید در آسمان هاست. گل آذین ها منعکس کننده همین موضوع هستند. خصوصیات چهره، منطبق با کمال مطلوب زیبایی آن عصر است. (هیلن برند، ۱۳۸۶، ۹۶)



تصویر ۱۶

حمل، ثور و جوزا در بهشت درنگ کرده، سپس به زمین هیوط نمود و سه هزار سال دیگر را که سال های سرطان، اسد و سنبله است، با آرامش و امنیت در زمین گذرانید تا آن که توسط اهرمن شر و بدی آغاز گردید. (همان، ۴) همراهی نگاره های گیاهی بسیار با این نقش و حالت احترام چهره های مصور نشسته در اطراف اسفنجس این فرضیه را قوت می بخشد که این نگاره مرتبط با مفاهیم برکت و باروری است. در کاسه سفالی مینایی و زر اندود، ساخته شده از خمیرخاک شیشه، متعلق به اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری قمری از ری هم، هشت اسفنجس بر روی دیواره ها و دو اسفنجس بالدار پشت به پشت هم در مرکز دارد. (قائینی، ۱۳۸۳، ۱۵۷) اما به طور قطع نمی توان گفت این تصاویر ابتدا در کدام کشور اسلامی به وجود آمده است. به عنوان مثال ابوالهول بالدار که تقریباً تمامی سطح کاسه را پوشانده، بر زمینه فلز آذین قهوه ای تیره اجرا شده است.

این قطعه تنها نمونه ثبت شده منقوش فلز آذین سلجوقی می باشد که بسیاری از ویژگی های سبک فلز آذین فاطمی را حفظ کرده است. در نمونه حاضر، نقاشی فلز آذین ایرانی از فلز آذین فاطمی الهام گرفته است. عناصر شاخص پیشانی بلند، چشم بزرگ، بینی نوک تیز، دهان رو به پایین با لب پایینی قوی، خط قوی چانه نیمرخ موجود افسانه ای است. تمامی این ویژگی ها با اغلب صورت های آن دوره متفاوت است. (خلیلی، ۱۳۸۴، ۱۹۸) (تصویر ۱۲) نوعی از سفالینه های آبی و سیاه با آستر لعاب بی رنگ که برای اولین بار در سال ۵۵۸ هجری قمری ثبت شده، نشان می دهد سفالگران سوری تحت تاثیر سفال پارسی آن دوره بوده اند.

اسفنجس بر روی این نمونه هم دیده می شود. (خلیلی، ۱۳۸۴، ۳۲۹) در میان نقشمایه های تزئینی آسیای مرکزی در سده شش و هفت هجری قمری موجوداتی مانند ابوالهول های بالدار با چهره های زنانه یا دختران و شیاطین و پرندگان دارای سر انسانند. (پوگا چنگوا، ۱۳۷۲، ۱۵۹) نقش اسفنجس از نقوش رایج سفالینه های جرجان است که در لبه داخلی کاسه و یا گردن بطری و آبخوری آرایش شده است. این نقوش در ظروف طلایی کاشان نیز دیده می شود. (کیانی، ۱۳۶۴، ۵۲)

کاسه مینایی با بدنه خیر سنگی و تکنیک هفت رنگ از کاشان سده شش و هفت هجری قمری اسفنجس سمبل خورشیدی، موتیف خاص سفال دوره اسلامی میانه را نشان می دهد. (Guratola، 2006، 118) (تصویر ۱۳)

تداوم نقش هارپی ها و اسفنجس ها در سایر هنرها

هم زمان با پیدایش اسفنجس ها در دوره اسلامی می توانیم ظهور نقشی ترکیبی از سر انسان و بدن پرنده را هم ببینیم. این نقش با اسفنجس و گاه به تنهایی آمده است. هارپی مرمت شده (سر هارپی با ماده پلاستیکی

اسفنجس ها در دوره فاطمی دیده می شود. نمونه مصری، تکه های قالیچه نما با پرندگان و ابوالهول ها و جانوران دیگر تزئین شده است که در حالت پشت به پشت هم قرار دارند و به چادر آنای مقدس مشهورند. کتیبه آن تاریخ ۷-۱۰۶۹ هفتم میلادی برابر با ۱-۴۹۰ هجری قمری را نشان می دهد و نام خلیفه فاطمی المستعلی بالله و وزیر او بر روی آن دیده می شود. (هیلن برند، ۱۳۸۶، ۸۳)

تقریباً در هزار تصویر از صحنه های درباری بر سقف نمازخانه کاخ شاهی در پالمو که به احتمال زیاد منشأ فاطمی دارد بی شمار تصاویر ابوالهول ها، شیردال ها، جانوران افسانه ای به شکل زن با چنگال مرغ و حیواناتی با دو بدن و یک سر وجود دارد. این قبیل تصاویر قدمتی هزار ساله در خاورمیانه دارند. (همان، ۶۸) همین نوع ترکیب در آثار ایرانی هم به چشم می خورد. آینه برنزی با حاشیه عالی از نقوش برجسته، کتیبه ای را در بر دارد. کتیبه برای صاحب آینه شهرت، عمر طولانی، قدرت، درخشش، فزونی، مدح، قیام، خوشی، جلال، دولت، آبرو و بخشش را آرزو می کند. این کتیبه دو اسفنجس بالدار با دم عقرب را نشان می دهد. آینه دیگری از این نوع متعلق به سال ۵۱۸ هجری قمری، یک برنامه نجومی برای کاربرد سحرآمیز دارد. چنین اشکالی با بدن شیر و سر زن همراه با موی مجعد و دنباله عقرب مانند ترکیبی از علامت صور فلکی همجوار شیر، سنبله یا عذرا و عقرب است که ممکن است، تصویری از آفرینش باشد. (Calmeyer، 1972، 156) (تصویر ۱۱)

در اسطوره کیومرث سه هزاره دوم از روزگاران بی هیچ رنج و درد است، که آن هزاره سرطان و اسد و سنبله بود. این ترکیب سه گانه صورت ها متعلق به زمان باروری و برکت می باشد. از طرفی شیر خود سمبل خورشید و برکت و باروری است. (صدیقیان، ۱۳۸۶، ۲) ابوعلی محمد بن احمد بلخی شاعر می نویسد. کیومرث سه هزار سال های



تصویر ۱۷

۱۳۸۳، ۵۲)، (تصویر ۱۶) علاوه بر این، این نگاره همراه با اسفنگس در برگی از مقامات حریری مشهور به شیخ واسط حریری دیده می شود. (تصویر ۱۷) (تالبوت رایس، ۱۳۸۴، ۱۰۶) در قسمتی از آرایه های سفره خانه ای از سده هفتم هجری قمری، از مدرسه موصل کلمه العز با حروف شبه انسان همراه است. شکل هارپی حرف "ز" را نشان می دهد. کاربرد این نقش در خطوطی که از تقدس ویژه ای برخوردارند، نشان از اهمیت این نقش در دوران اسلامی است. (شیمیل، ۱۳۸۶، ۷۴) موجود پرنده سان بر روی اثر فلزی مرصع متعلق به سده هفتم هجری قمری نیز دیده می شود. (پوپ، ۱۳۸۷، ۳۱۸۲) همین نقش در مرکز کاسه نقاشی شده با رنگ سیاه و همراه با لعاب آبی متعلق به سده هشتم هجری قمری قرار گرفته است.

بار دیگر تصویر هارپی در مرکز در حالی که فیگورهای نشسته اطراف آن قرار گرفته اند و گیاه پیچان زمینه طرح را تشکیل داده است، تکرار می شود. (همان، لوح ۷۳۰) صورت ترکیبی اسفنگس نیز بر روی بشقاب فلزی مفرغی متعلق به سده شش و هفت هجری قمری وجود دارد. (همان، لوح ۲۸۸۴) نمونه استیلزده تر این نماد بر روی پارچ طلای متعلق به دوره دیلمی است. (همان، ۲۸۹۹) اسفنگس موجود بر روی فرشینه

فشرده مرمت شده است) متعلق به سده هفتم هجری قمری. شکل هایی مانند اسفنگس هانظیر دیگر اشکال ترکیبی پرنده با سر انسان، انسان با بدن شیر و سوار به شکل رام کننده ازدها در ارتباط با روایت قدیمی دوره پیشااسلامی ایجاد شده است. آن گونه که در نوشته های کیهان شناسی، نجوم و ستاره شناسی آمده علائمی از این نوع ابزار تزیینی و در عین حال برنامه ای آشکار برای موضوعات کیهانی پیوسته با قدرت حاکم است. مانند پروتکل پادشاه ساسانی، خورشید و ماه دو سیاره در پیوند با یکدیگر. یک تفسیر برای چنین موجود ترکیبی «انسان - پرنده» به همراه تاکید نیرومند بر حالت صورت، این است که آن نقشی از ستاره عطارد می باشد. به تعبیر دیگر نمادی است که با روایت گارودا (پرنده - ویشنو) در آمیخت. نزد یک فرقه شیعی این سمبل به شکل امام غایب قابل تشخیص است. (Calmeyer، 1972، 175) (تصویر ۱۴)

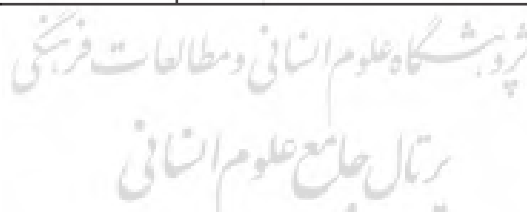
شکل هارپی دیگری متعلق به دوره سلجوقی، با رنگ سیاه در زیر لعاب شفاف فیروزه ای نقاشی شده است. (Febervari، 2000، 113) (تصویر ۱۵) ترکیب این نگاره را به شکل پشت به پشت بر روی سفالینه لعابدار زرین فام از کاشان سده هفتم هجری قمری می بینیم. (قائینی،

حضور هارپی و اسفنگس در کنار درخت کیهانی انتزاعی قوت می یابد. اما آن چه مسلم است این صورت های ترکیبی از زمان های بسیار قدیم در تمدن های مختلف وجود داشته اند و به ویژه در ایران در دوره اسلامی تا سده های هفت و هشت هجری قمری بر روی سفالینه ها و دیگر آثار هنری بسیار دیده می شود.

ابریشمی متعلق به سده چهار هجری قمری (احتمالا شرق ایران) تاکید دیگری است بر تداوم حضور اسفنگس باستانی در هنر دوره اسلامی. (همان، لوح ۹۸۲) نظریه های مطرح شده نوعی ارتباط اسفنگس ها و هارپی ها را با مفاهیم کیهان شناختی بیان کرده اند، احتمالا این دو صورت ترکیبی با مفاهیم برکت و باروری مرتبطند. این موضوع با توجه به

جدول تطبیقی

دوره باستان	دوره اسلامی
اسفنگس * * هخامنشی (اکرمین) «خورشید در اوج قدرت» * * در مصر نماد هوروس خدای خورشید گور زیویه (دو طرف درخت مقدس) * * هخامنشی (هر تسفلد) دو طرف درخت مقدس مرتبط بادمفهوم نیایش» - بین الهه نمرود خدای مریخ مرتبط با مفهوم کیهان شناختی اشکانی (ترکیب شیر با سر زن)	* * هیلن برند «نماد سفر خورشید» * * Guratola «سمبل خورشیدی» * * پوپ «دو طرف درخت کیهانی استلیزه مرتبط با نیایش - ترکیب صورت های فلکی همجوار شیر - سنبله و عقرب
هارپی سفال بوکرو هزاره اول ق.م در هنر ایران - اورارتویی (مرتبط با مراسم تدفین) در مصر نماد قدرت خدایان در یونان نماد روان مرده * * نماد خورشید خدایان در میان اقوام مختلف	* * مرتبط با مفاهیم کیهان شناختی و ستاره شناسی * * نماد ستاره عطارد نزد فرقه ای شیعی نماد امام غایب در مقامات حریری همراه با اسفنگس در پای درخت جایگزین حرف ز در تصویر سازی کلمات مقدس



نتیجه

ابوالهول های باستانی موجودات نگهبان و محافظ معابد و یا الهه ها و خدایان بوده اند. گاه حتی مظاهری خدا گونه داشته و به عنوان صورت مجسم خدایان تلقی می شدند. تطور و تکرار این نقش در دوران های مختلف و حتی دوره اسلامی اهمیت مفاهیم مرتبط با آن را نشان می دهد. این نماد یکی از عناصر مهم تزئینی سفالینه ها و دیگر آثار هنری سده های پنج، شش، هفت و هشت هجری قمری در ایران است. شیر با سر انسان بر زمینه ای پر از گیاه پیچان بی انتها و گاه به صورت محافظ دو طرف این گیاه، همراه با بال نشان فره و نیروی ماورایی نوید بخش فراوانی، برکت بهار و دوری از رکود و سرمای زمستان و یا نماد زمان افسانه ای که موجب برکت است، می باشد. هارپی ها موجودات ترکیبی هستند که به شکل منفرد یا به همراه اسفنگس بر روی آثار هنری سده های پنج، شش، هفت و هشت دیده می شوند. این نمادها با عناصر نجومی دوران اسلامی مرتبط بوده و زمینه مناسب اجتماعی این دوره در پذیرش این نگاره ها به عنوان موتیف رایج تزئینی آثار اسلامی تاثیر به سزایی داشته است.



منابع و مآخذ

- بیبرل، آن، اسطوره های چینی، عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴
- پوگا چنگوا، گالینا و اکبر خاکیموف، هنر در آسیای مرکزی، ناهید کریم زندی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
- پوپ، آرتر آپهام و فیلیس اکرم، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، سیروس پرهام و گروه مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- تالبوت رایس، دیوید، هنر اسلامی، ماه ملک بهار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴.
- خلیلی، ناصر و ارنست ج. گروبه، سفال اسلامی، فرناز حایری، ج. ۷، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۴.
- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری، درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، انتشارات کلهر و دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۸۵.
- شیمیل، آنه ماری، خوشنویسی اسلامی، مهناز شایسته فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- صدیقیان، مهین دخت، فرهنگ اساطیری - حماسی ایران - جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
- قائینی، فرزانه، موزه آگینه و سفالینه های ایران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۳.
- قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، انتشارات فرهنگ مکتوب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- کراپ، ای. سی، ستاره شناسی تمدنهای کهن، یاسمین نیک سرشت، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول شیراز، ۱۳۸۳.
- کیانی، یوسف و فاطمه کریمی، سفالگری در دوره اسلامی چاپ اول، نشر مرکز باستان شناسی ایران، تهران، تابستان ۱۳۶۴.
- گریشمن، رمان، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱.
- گدار، آندره، هنر ایران، بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۳.
- لک پور، سیمین، سفیدروی، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- واندنبرگ، لویی، باستان شناسی ایران باستان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۵.
- ورجاوند، پرویز، کاوش رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره شناسی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ویوژ، اساطیر مصر، ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات کاروان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵.
- هال، جیمز، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
- هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، همایون صنعتی زاده، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۱.
- هیلن برنر، رابرت، هنر و معماری اسلامی، اردشیر اشراقی، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.

Calmeyer, Dr. P et al, Das Tier in der Kunst Irans, Linden - museum, Stuttgart, 1972 .

Febervari, Geza, Ceramics of the Islamic world, I.B Tauris, London, 2000 .

Guratola, Givovani, Persian Ceramics from the 9th to the 14th century, Skira Editore S.P.A, Italy, 2006.

Von, Bearbeitet et all, Islamische Keramik, Hetjens-museum, Dusseldorf, 1973 .